

سلام الله علیها

نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال

www.noorfatemah.org

روایتی از سرگذشت انسان در هماوردی با ابلیس

(ترجمه خطبه قاصعه)

بنیاد نهج البلاغه

پیشگفتار

علی (ع) فریادی در سکوت زمان ، و نهج البلاغه شفای دل ها و روح زندگی است ، کتابی که موجد تاءمل های عمیق و شورانگیز آدمی ، و نقطه وصل انسان با خداست .

نهج البلاغه ، طلوع مهربانی و زلال جادویی عمیقترین رازهای رشد و تربیت ، و چشمه جوشان حکمت و سیاست است .

و علی (ع) بر بلندای جبل النور، از حرای نهج البلاغه ، پیام آور اسرار حیات است ، و پژواک صدای رسایش در سینه ساکت کوهستانهای دور، انفجار نور.

او مؤذن بلند آوازه معبد ایمان ، و بشارت آرامش توحید است . و ما با همه توان به چنین روحی نزدیک می شویم و نزدیکتر...

تا دورنمایی از تصویرها و معنی ها را با امواج احساسمان دریابیم ، و به نیروی پارسایی در خود حلول دهیم و آنک ، نم نم بارانها، و ریزش نهرها، و هیاهوی آبشارها و معراج قلب سلیم ... و تولدی دیگر...

کتاب دوم از ترجمه نهج البلاغه بر گردان خطبه قاصعه (که در نسخه مصحح بنیاد به شماره ۲۳۴ است) میباشد که اینک پیش رو دارید،

شیوه بر اینست که محتوای کلام بلند امام (ع) ، تا آنجا که مقدور است با بیانی ملموس و امروزی به نسل حاضر عرضه گردد، امید آنکه توانسته باشیم موجی از امواج بیکران دریای علوم علوی را به جان شیفتگان آنحضرت منتقل کنیم .

از پروردگار منان مسئلت داریم که عنایت بر ما نازل فرماید تا با خامه یی به شیوایی و زیبایی عطر شقایق ، و رسایی پیام لاله های سرخ فام ، ترجمه دیگر خطبه ها را به دوستانان فرهنگ علوی تقدیم داریم .

انه سمیع مجیب

گروه ترجمه نهج البلاغه

تهران - اسفند ماه ۱۳۶۹

نام خطبه

و من خطبة له ع و من الناس من يسمي هذه الخطبة بالقاصعة و هي تتضمن ذم إبليس لعنه الله ، على استكباره و تركه السجود لادم عليه السلام ، و أنه أول من أظهر العصبية و تبع الحمية ، و تحذير الناس من سلوك طريقته .

از خطبه های آن گرامی - بر او درود - خطبه یی است که قاصعه (۱) نامیده میشود و نکوهش ابلیس - نفرین خدا بر او - را در بر دارد، به جهت خود بزرگ بینی وی و وانهادن سجده بر آدم - درود خدا بر او - که طی آن خطبه ، حضرت (ع) مردم را از پیمودن راه ابلیس بر حذر می دارد، زیرا همانا وی نخستین کسی است که تعصب نشان داد و از غیرت بیجا پیروی کرد.

شریف رضی

آغاز خطبه

۱- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ الْعِزُّ وَالْكَبْرِيَاءُ وَ اخْتَارَهُمَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَلْقِهِ وَ جَعَلَهُمَا حِمِّي وَ حَرَمًا عَلَيَّ غَيْرِهِ وَ اصْطَفَاهُمَا لِجَلَالِهِ وَ جَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَيَّ مَنْ نَزَعَهُ فِيهِمَا مِنْ عِبَادِهِ

سپاس ویژه خداست ، آنکه عزت و ستردگی را در پوشیده و آن هر دو را برای خویش و نه آفریدگانش برگزیده و قرقگاه و حریمی مخصوص خود قرار داده و آستانه جلال و شکوهش ساخته است (۲) و بر هر بنده یی که در این دو خصلت با وی بستیزد نفرین نهاده است .

۲- ثُمَّ اخْتَبَرَ بِذَلِكَ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ لِيَمِيزَ الْمُتَوَاضِعِينَ مِنْهُمْ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَهُوَ الْعَالِمُ بِمُضْمَرَاتِ الْقُلُوبِ وَ مَحْجُوبَاتِ الْغُيُوبِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ فَسَجَدَ الْمَلَأُكُلَهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ

آنگاه به همین کبریا، فرشتگان مقرب خویش را آزمود تا فروتنان از مستکبران شناخته شوند، پس خدای - پاکیزه باد نام وی - در حالیکه دانای پنهانی دلها و فروپوشیده غیبتهاست فرمود: من انسانی از خاک می آفرینم و چون او را موزون و بهنجار ساختم و در او از روح خود دمیدم ،

همه بر او سجده برید. آنگاه فرشتگان ، او را سجده بردند مگر ابلیس (۳)

گاه آزمون

۳- اعْتَرَضَتْهُ الْحَمِيَّةُ فَافْتَخَرَ عَلَى آدَمَ بِخَلْقِهِ وَ تَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ فَعَدُوُّ اللَّهِ إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ وَ سَلَفُ الْمُسْتَكْبِرِينَ الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعَصْبِيَّةِ وَ نَازَعَ اللَّهَ رِدَاءَ الْجَبْرِيَّةِ وَ ادَّرَعَ لِبَاسَ التَّعَزُّزِ وَ خَلَعَ قِنَاعَ التَّنَدُّلِ

نخوت ، گریبان او را گرفت و به خلقت خویش بر آدم بالید و به خاطر طینت و اصل خود بر او تعصب ورزید، پس دشمن خدا - شیطان - پیشوای متعصبان و پیشاهنگ خود بزرگ بینان است ، همانکه بنیاد تعصب را بر نهاد و با خدا در ردای بزرگمنشی ، به ستیزه پرداخت و تیپوش تکبر را پوشیده و رویوش فروتنی را از تن به در آورد.

عقوبت سخت خود بزرگ بنیان

۴ - أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ صَغَّرَ اللَّهُ بِتَكْبُرِهِ وَوَضَعَهُ بِتَرْفُعِهِ فَجَعَلَهُ فِي الدُّنْيَا مَذْخُوراً وَأَعَدَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ سَعيراً

آیا نمی بینید چگونه خداوند او را به خاطر خود بزرگ بینی و برتری جویی، کوچک و فرودست گردانیده و در این جهان رانده و مطرود ساخت و برای وی در آن جهان زبانه آتش فراهم کرد.

ارزش انسان، در انتخاب اوست

۵ - وَ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ مِنْ نُورٍ يَخْطَفُ الْأَبْصَارَ ضِيَاؤُهُ وَيَبْهَرُ الْعُقُولَ رُؤَاؤُهُ وَ طِيبِ يَأْخُذُ الْأَنْفَاسَ عَرَفُهُ لَفَعَلَ وَ لَوْ فَعَلَ لَظَلَّتْ لَهُ الْأَعْنَاقُ خَاضِعَةً وَ لَخَفَّتِ الْبُلُوبُ فِيهِ عَلَى الْمَلَائِكَةِ

و اگر خدا اراده می فرمود که آدم را از نوری بیافریند که تلالو آن چشمها را خیره سازد و زیبای آن بر خردها چیره گردد، و شمیم آن نفسها را معطر گرداند، چنین می کرد. و اگر چنین می کرد با فروتنی گردن می نهادند و نیز این آزمون برای فرشتگان آسان می شد.

آزمون الهی، مدرسه تربیت

۶ - وَ لَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَبْتَلِي خَلْقَهُ بِبَعْضِ مَا يَجْهَلُونَ أَصْلَهُ تَمَيِّزاً بِالِاخْتِبَارِ لَهُمْ وَ نَفِيّاً لِلِاسْتِكْبَارِ عَنْهُمْ وَ إِبْعَاداً لِلْخُلَيْلَاءِ مِنْهُمْ

اما خداوند - منزه باد نام وی - بندگان خود را با برخی امور که ریشه آنرا نمی دانند می آزماید تا آنان را از هم متمایز سازد و استکبار را از آنان بردارد و خودپسندی را از آنان دور کند.

تکبر، آتشی در خرمن اعمال

۷ - فَأَعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ وَ جَهْدَهُ الْجَهِيدَ وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَا يُدْرَى أَمْ مِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الآخِرَةِ عَنْ كِبَرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ

پس ، پند گیرید از آنچه خداوند با اهریمن کرد: کردارهای دراز دامن و تلاشهای پیگیر او را بیهوده ساخت - در حالیکه او شش هزار سال خدای را پرستیده بود، آن هم دانسته نیست که از سالهای دنیاست یا آخرت - تنها به خاطر یک لحظه خود بزرگ بینی و تکبر.

گناه شیطان ، گناه انسان

۸ - فَمَنْ ذَا بَعْدَ إِبْلِيسَ يَسْلَمُ عَلَى اللَّهِ بِمِثْلِ مَعْصِيَتِهِ كُلِّ مَا كَانَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِيُدْخَلَ الْجَنَّةَ بِشَرًّا بِأَمْرٍ أُخْرَجَ بِهِ مِنْهَا مَلَكًا

پس ، چه کسی بعد از شیطان - با گناهی همانند گناه او - از عذاب حق سالم تواند ماند؟ هرگز خداوند - منزه است نام وی - بشری را با وجود انجام گناهی که فرشته بی را به خاطر آن از بهشت راند، بدان وارد نسازد.

قانون برای همه

۹ - إِنَّ حُكْمَهُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ وَأَهْلِ الْأَرْضِ لَوَاحِدٌ وَمَا بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ هَوَادَةٌ فِي إِبَاحَةِ حِمِّي حَرَّمَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ

فرمان وی در مورد آسمانیان و زمینیان یکسان است و خدای به هیچکس از آفریدگانش ورود به منطقه ممنوعه و حرام را رخصت نداده است .

انتقام شیطان از انسان

۱۰ - فَاحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ أَنْ يُعَدِّيَكُمْ بَدَائِهِ وَأَنْ يَسْتَفْزِكُمْ بِنِدَائِهِ وَأَنْ يُجَلِبَ عَلَيْكُمْ بِخَيْلِهِ وَرَجُلِهِ فَلَعَمْرِي لَقَدْ فَوْقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ وَأَغْرَقَ إِلَيْكُمْ بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ وَرَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ فَقَالَ رَبِّ بِمِ اِغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

پس ای بندگان خدا! از دشمن خدا بهراسید که شما را به درد خود مبتلا کند و با اغوا و فراخواندنش، شما را به هلاکت رساند و با سواره نظام و پیادگان خویش بر شما بتازد، سوگند به جانم که او تیر هلاک و شر بر کمان نهاده و چله آن را به نهایت کشیده و از جایگاهی نزدیک و دقیق شما را هدف قرار داده است و همو گفته است: پروردگار من! به خاطر آنکه مرا اغوا کردی، (۴) بی گمان کردار ناپسند بندگان را که روی زمین هستند در نظرشان می آریم و حتما همگان را گمراه خواهیم ساخت.

نخوت پیشگان، یاران و همکاران شیطانند

۱۱ - قَدْفَا بَغِيْبٍ بَعِيْدٍ وَ رَجْمًا بَطْنٌ غَيْرِ مُصِيْبٍ صَدَّقَهُ بِهِ اَبْنَاءُ الْحَمِيَّةِ وَ اِخْوَانُ الْعَصَبِيَّةِ وَ فُرْسَانُ الْكِبْرِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ ص : ۲۸۸ وَ الْجَاهِلِيَّةِ حَتَّى اِذَا اِنْقَادَتْ لَهُ الْجَامِحَةُ مِنْكُمْ وَ اسْتَحْكَمَتِ الطَّمَاعِيَّةُ مِنْهُ فَيَكُمُ فَنَجَمَتِ الْحَالُ مِنَ السَّرِّ الْخَفِيِّ اِلَى الْاَمْرِ الْجَلِيِّ اسْتَفْحَلَ سُلْطَانُهُ عَلَيْكُمْ وَ دَلَفَ بِجُنُودِهِ نَحْوَكُمْ

این سخن گر چه تیر افکندن به نا پیدای دور و سنگ اندازی براساس گمان بی هدف و اشتباه است، اما گروه نخوت پیشگان و دسته متعصبان و سوارکاران میدان خود بینی و نادانی آنرا لباس تحقق پوشانند، بطوریکه گردنکشان شما به فرمان شیطان گردن نهاده و طمع او برای گمراه کردن شما پا گرفته و راز پوشیده به رسوایی آشکار رخ نموده و چیرگی او بر شما عظیم گردیده و آرام آرام با همه سپاه خویش به سوی شما راه افتاده است.

دامچاله های خواری در انتظار گناهکاران

۱۲ - فَأَقْحَمُوهُمْ وَلِبَآتِ الدُّلَّ وَ أَحْلُوهُمْ وَرَطَاتِ القَتْلِ وَ أَوْطُوهُمْ إِتْحَانَ الجِرَاحَةِ طَعْنَا فِي عِيُونِكُمْ وَ حَزَا فِي حُلُوقِكُمْ وَ دَقَّا لِمَنَاخِرِكُمْ وَ قَصَدَا لِمَقَاتِلِكُمْ وَ سَوَقَا بِخَزَائِمِ القَهْرِ إِلَى النَّارِ الْمُعَدَّةِ لَكُمْ

پس لشگریان شیطان ، شما را در دامچاله های خواری و گردابه های هلاکت در افکندند و پایمال زخمهای جانکاهتان کردند، تا در چشمتان سر نیزه گناه بر کوبند و در گلویتان فریاد حق را بخشکانند و بینی تان را خرد کنند و در نهایت قصد قتل و نابودی شما نمایند و سرانجام ، با ذلت قهرآمیز به سوی دوزخی که محصول عملکردتان است رانده شوید.

بسیج علیه شیطان

۱۳ - فَأَصْبَحَ أَعْظَمَ فِي دِينِكُمْ حَرْبًا وَ أَوْزَى فِي دُنْيَاكُمْ قَدْحًا مِنَ الدِّينِ أَصْبَحْتُمْ لَهُمْ مُنَاصِبِينَ وَ عَلَيْهِمْ مُتَالِبِينَ فَاجْعَلُوا عَلَيْهِ حَدُّكُمْ وَ لَهُ جِدُّكُمْ

بدین ترتیب ، شیطان در ضربه زدن به دینتان بزرگتر و در انگیزش دنیا پرستی تان آتش افروزتر از کسانی شد که شما علیه آنان قیام کرده و بر ضدشان همراه و هماهنگ گردیده اند. پس همه یارایی و توانائیتان را علیه شیطان بکار گیرید.

نخجیر گاه شیطان

۱۴ - فَلَعَمْرُ اللهِ لَقَدْ فَخَرَ عَلَى أَصْلِكُمْ وَ وَقَعَ فِي حَسْبِكُمْ وَ دَفَعَ فِي نَسْبِكُمْ وَ أَجْلَبَ بِحَيْلِهِ عَلَيْكُمْ وَ قَصَدَ بِرَجْلِهِ سَبِيلَكُمْ يَفْتَنُصُونَكُمْ بِكُلِّ مَكَانٍ وَ يَضْرِبُونَ مِنْكُمْ كُلَّ بَنَانٍ لَا تَمْتَنِعُونَ بِحَيْلِهِ وَ لَا تَدْفَعُونَ بِعَزِيمَةٍ فِي حَوْمَةِ ذُلٍّ وَ حَلَقَةٍ ضَيْقٍ وَ عَرَصَةٍ مَوْتٍ وَ جَوْلَةٍ بَلَاءٍ

به خدا سوگند، شیطان به اصل شما که از خاک است و پدرتان آدم (ع) از آن آفریده شد فخر فروخت و شرافت شما را ناچیز انگاشت و بر تبارتان بر تاخت و سواره نظام خود را بر ضد شما بر انگیخت و با پیادگان ، سر راهتان را گرفت ، آنک او در هر کوی و برزن ، شما را به نخجیر می کشد و تمام توانتان را می گیرد و قدرت رویارویی شما را در هم می شکند، تا شما یان نتوانید با هیچ نیرنگی از دام او بگریزید و با مشت پولادین اراده بر فرق او بر کوبید، چرا که در چنبر خفت و خواری و تنگنای تنگ نظری و در کوران سختی و بلا در افتاده اید.

کینه توزی و عصبیت ، موجب تیرگی دلهاست

۱۵ - فَأَطْفُوا مَا كَمَنْ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ نِيرَانِ الْعَصَبِيَّةِ وَأَحْقَادِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّمَا تِلْكَ الْحَمِيَّةُ تَكُونُ فِي الْمُسْلِمِ مِنْ خَطَرَاتِ الشَّيْطَانِ وَنَخَوَاتِهِ وَنَزَغَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ

پس ، بیایید و آتش عصبیت و کینه های جاهلی را که در دلها تن نهفته است خاموش کنید که بی تردید، این ننگ و عار برای مسلمان از خطرهای شیطان و خودستایی ها و تباهی ها و وسوسه های اوست . بر آن شوید که فروتنی را چون افسری بر سر نهید و خود پسندی را در زیر گامهایتان پایمال کنید و خوار شمارید و قلاده تکبر را و خود برتر بینی را از گردن بر کنید

فروتنی ، سپاه مسلح

۱۶ - وَاعْتَمِدُوا وَضَعَ التَّدْلِيلِ عَلَى رُءُوسِكُمْ وَإِقَاءَ التَّعَزُّزِ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَخَلَعَ التَّكْبَرِ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ وَاتَّخِذُوا التَّوَاضِعَ مَسْلِحَةً بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّكُمْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ فَإِنَّ لَهُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ جُنُودًا وَأَعْوَانًا وَرَجِلًا وَفُرْسَانًا

در ستیز با دشمنان شیطان و لشگریانش فروتنی را، سپاه مسلح خود گیرید. زیرا شیطان از هر گروه ، سربازان و یاران و سواره نظام و پیادگانی دارد.

متکبر، برتر نیست ، خود بزرگ بین است

۱۷ - وَ لَا تَكُونُوا كَالْمُتَكَبِّرِ عَلَى ابْنِ أُمِّهِ مِنْ غَيْرِ مَا فَضَّلَ جَعَلَهُ اللَّهُ فِيهِ سِوَى مَا أَحَقَّتِ الْعِظَمَةُ بِنَفْسِهِ مِنْ عِدَاوَةِ الْحَسَدِ وَقَدَحَتِ الْحَمِيَّةُ فِي قَلْبِهِ مِنْ نَارِ الْغَضَبِ وَنَفَخَ الشَّيْطَانُ فِي أَنْفِهِ مِنْ رِيحِ الْكِبْرِ الَّذِي أَعْقَبَهُ اللَّهُ بِالرِّدَامَةِ وَالزَّمَهُ آثَامَ الْقَاتِلِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

و چون قابیل نباشید که بر فرزند مادر خویش سرکشی کرد، بی آنکه خدا در وی هیچ برتری نهاده باشد مگر همان بزرگ بینی ناشی از حسادت و دشمنی حاصل از آن و فروزش آتش خشم بر خاسته از تعصب در قلب او و دمیدن باد نخوت شیطانی در بینی اش ، آنچنانکه خداوند او را به پشیمانی ، کیفر داد و سنگینی گناهان همه قاتلان تاریخ را تا قیامت بر کرده او نهاد.

تباهی زمین ، محصول ستیز با خدا و مومنان

۱۸ - أَلَا وَقَدْ أَمَعْتُمْ فِي الْبُغْيِ وَ أَفْسَدْتُمْ فِي الْأَرْضِ مَصَارِحَةً لِلَّهِ بِالْمُنَاصِبَةِ وَ مُبَارَزَةً لِلْمُؤْمِنِينَ بِالْمُحَارَبَةِ

هان! بدانید که نافرمانی و ستمگری را به نهایت رساندید و زمین را در اثر دشمنی آشکار با خدا و ستیز با مومنان به تباهی کشانده اید.

تعصب ، گذرگاه نفوذ شیطان

۱۹ - فَاللَّهُ اللَّهُ فِي كِبْرِ الْحَمِيَةِ وَ فَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مَلَأَ السَّنَانَ وَ مَنَعَ الشَّيْطَانَ الَّتِي خَدَعَ بِهَا الْأَمَمَ الْمَاضِيَةَ وَ الْقُرُونَ الْخَالِيَةَ حَتَّى أَعْنُقُوا فِي حَنَادِسِ جَهَالَتِهِ وَ مَهَاوِي ضَلَالَتِهِ ذُلًّا عَنِ سِيَاقِهِ سُلْسًا فِي قِيَادِهِ أَمْرًا تَشَابَهَتْ الْقُلُوبُ فِيهِ وَ تَتَابَعَتْ الْقُرُونَ عَلَيْهِ وَ كِبْرًا تَضَايَقَتْ الصُّدُورُ بِهِ

پس ، از خدا بهراسید، از خدا بهراسید در مورد نخوت ، تعصب و فخر فروشی جاهلی ، زیرا نخوت رویشگاه بذر دشمنی ها و راه نفوذ شیطان است که وی با همان ، امت های گذشته و پیشینیان را فریفت ، بگونه ای که در ظلمات نادانی و دامهای گمراهی او فرو رفتند، در حالی که چون می رانندشان رام و چون می کشیدشان آرام بودند. وه ! که این حمیت جاهلی و بلای کبر و خود بزرگی بینی که سینه ها را سخت در فشار و تنگنا قرار داده است ، چه ویرانگر و شکننده است و افسوس که همه دلها به یکسان گرفتار آند و در همه عصرها و نسلها جاری بوده است .

بترسید از اطاعت گردنکشان فرومایه

۲۰ - أَلَا فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبْرَائِكُمْ الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرَفَعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ وَ أَلْقُوا الْهَجِينَ عَلَى رَبِّهِمْ وَ جَاحَدُوا اللَّهَ عَلَى مَا صَنَعَ بِهِمْ مَكَابِرَةً لِقَضَائِهِ وَ مَغَالِبَةً لِأَلَائِهِ فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصِيَّةِ وَ دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ وَ سِيُوفُ اعْتِرَآءِ الْجَاهِلِيَّةِ

هان! آگاه باشید و بپرهیزید، بپرهیزید از فرمانبری مهتران و بزرگان متکبر که به حسب خود نازیدند و بر پلکان تبار خویش فراز آمدند و زشتی ها و پلشتی ها را به پروردگارشان نسبت دادند و آنچه خداوند بدانان از سر لطف بخشیده بود انکار کردند، انکاری آگاهانه و از سرستیز با قضاء الهی و چیرگی بر نعمتهای وی ، (۵) زیرا اینان پایه های تعصب و ستونهای اصلی فتنه و شمشیرهای آهیخته از پیوندهای جاهلی هستند.

ناسپاسی به بخششها

۲۱ - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَكُونُوا لِنِعْمِهِ عَلَيْكُمْ أُضْدَادًا وَ لَا لِفَضْلِهِ عِنْدَكُمْ حُسَادًا وَ لَا تَطِيعُوا الْأَدْعِيَاءَ الَّذِينَ شَرِبْتُمْ بِصَفْوِكُمْ كَدْرَهُمْ وَ خَلَطْتُمْ بِصِحَّتِكُمْ مَرَضَهُمْ وَ أَدْخَلْتُمْ فِي حَقِّكُمْ بَاطِلَهُمْ

پس ، از خدا پروا کنید و در برابر نعمتهایی که به شما عنایت فرموده ناسپاسی نکنید و نسبت به احسان الهی که به شما ارزانی فرموده رشک نبرید و موجبات زوال آن را فراهم نسازید و از نابکاران بی ریشه ، فرمانبرداری نکنید، همانا که آب پاک و زلال خود را وانهاد و گنداب تیره آنان را نوشیده اید و بیماری آنان را با سلامت خویش در هم آمیخته اید و باطل آنها را به حق خود راه داده اید.

گمراهان ، مرکب شیطانند

۲۲ - وَ هُمْ أَسَاسُ الْفُسُوقِ وَ أَحْلَاسُ الْعُقُوقِ اتَّخَذَهُمْ إِبْلِيسُ مَطَايَا ضَلَالٍ وَ جُنُودًا بِهِمْ يَصُولُ عَلَى النَّاسِ وَ تَرَاجِمَةً يَنْطِقُ عَلَى السِّنْتِهِمْ اسْتِرَاقًا لِعُقُولِكُمْ وَ دُخُولًا فِي عُيُونِكُمْ وَ نَفْثًا فِي أَسْمَاعِكُمْ فَجَعَلَكُمْ مَرْمَى نَبْلِهِ وَ مَوْطِئَ قَدَمِهِ وَ مَا أَخَذَ يَدِهِ

و اینان ، بنیادهای فسق و خروج از اطاعت خداوند و ملازمان و همپیمانان عصیان‌اند، شیطان بر آنان در جاده گمراهی سوار گردیده و از ایشان لشگریانی فراهم آورده که به پشتیبانی آن بر مردم می تازد و از زبان آنان سخن می گوید، تا بتواند عقلتان را بدزد و در چشم شما بنشیند و در گوشتان بدمد و در نتیجه ، هدف تیرهای او قرار گیرید و جای پا و دستاویز وی گردید.

هان ! (ای دل عبرت گیر)

۲۳ - فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَ صَوْلَاتِهِ وَ وَقَائِعِهِ وَ مَثَلَاتِهِ

اکنون از سرگذشت امتهای مستکبر پیشین بخود آییند: از سخت گیری و خشم الهی ، از سطوت و هیبت وی ، از کیفر و عذاب او.

به خدا پناه آرید از نخوت

۲۴ - وَ اتَّعَطُوا بِمَنَآوِي خُدُودِهِمْ وَ مَصَارِعِ جُنُوبِهِمْ وَ اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ لَوَاقِحِ الْكِبْرِ كَمَا تَسْتَعِيدُونَ مِنْ طَوَارِقِ الدَّهْرِ

از آرامگاه صورتها و پهلوهایشان عبرت گیرید و از آنچه نخوت را بارور کند به خدا پناه می‌بریم .

پیامبران الهی ، پیشاهنگ فروتنان

۲۵ - فَلَوْ رَخَّصَ اللَّهُ فِي الْكِبْرِ لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِهِ لَرَخَّصَ فِيهِ لِحَاصَةِ أَنْبِيَائِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ وَ لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ كَرَهُ إِلَيْهِمُ التَّكَاْبُرَ وَ رَضِيَ لَهُمُ التَّوَاضِعَ فَالْصَّقُوا بِالْأَرْضِ خُدُودَهُمْ وَ عَفَّروا فِي التُّرَابِ وَجُوهَهُمْ وَ خَفَضُوا أَجْنِحَتَهُمْ لِلْمُؤْمِنِينَ

و اگر تکبر، در آستان ربوبی مجاز بود پیامبران و اولیاء ویژه او در این اجازت مقدم بودند، اما خداوند سبحان نه تکبر را، که فروتنی را بر آنان پسندید و دانست که آنان خاکسار درگاه الهی شده و گونه‌های خویش به رسم عبودیت و تواضع ، محرم زمین ساخته ، و چهره‌های خود را عاشقانه بر خاک ساییدند و در برابر مومنان به نهایت ، فروتنی و مهربانی کردند.

پیامبران نیز در بوته آزمایش

۲۶ - وَ كَانُوا قَوْمًا مُسْتَضْعَفِينَ قَدْ اخْتَبَرَهُمُ اللَّهُ بِالْمَخْمَصَةِ وَ ابْتَلَاهُمْ بِالْمَجْهَدَةِ وَ امْتَحَنَهُمْ بِالْمَخَافَةِ وَ مَخَضَهُمُ بِالْمَكَارِهِ فَلَا تَعْتَبِرُوا الرَّضَى وَ السُّخْطَ بِالْمَالِ وَ الْوَلَدِ جَهْلًا بِمَوَاقِعِ الْفِتْنَةِ وَ الْاِخْتِبَارِ فِي مَوْضِعِ الْعَنَى وَ الْاِقْتِدَارِ فَقَدْ قَالَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَيْحَسِبُونَ أَنَّهُمْ نُمِدُّهُمْ بِمِنْ مِ الْ وَ بَيْنَ نُسِ ارِغُ لَهُمْ فِي الْخَيْرِ اتِ بَلْ لَ ا يَشْعُرُونَ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْتَكْبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأَوْلِيَائِهِ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ

پیامبران همگی ، از مستضعفان بودند که خداوند آنان را با گرسنگی آزمود و به سختی و سختکوشی مبتلا ساخت و با موقعیتهای ترسناک امتحان فرمود و با صافی ناکامی‌ها و رنجها وجود آنان را پالایش داد. پس ، از روی نشناختن فلسفه قدرت و ثروت - که آزمایش انسان است - داشتن مال و اولاد را نشانه خوشنودی و یا نداشتن آنها را علامت خشم و قهر الهی مشمارید، زیرا خداوند - که منزله است ذات وی - فرمود: آیا مردم می‌پندارند مال و فرزندى که به کمکشان فرستاده ایم خیر سرى است که بدانان نازل کرده ایم؟! نه چنین است ، بلکه آنان ، راز خلقت و تدبیر الهی را در نیافته اند پس خداوند سبحان ، بندگان خود برتر بین را به محک دوستانش - که در دید مستکبران ضعیف انگاشته می‌شوند - می‌آزمایند و اینک شاهد صادق آن :

ساده زیستی پیامبران ، رمز قدرت و پیروزی

۲۷ - وَ لَقَدْ دَخَلَ مُوسَىٰ بَنُ عِمْرَانَ وَمَعَهُ أَخُوهُ هَارُونَ عَلَىٰ فِرْعَوْنَ وَعَلَيْهِمَا مَدَارِعُ الصُّوفِ وَبِأَيْدِيهِمَا الْعِصِيُّ فَشَرَطَا لَهُ إِنْ أَسْلَمَ بَقَاءَ مُلْكِهِ وَدَوَامَ عِزِّهِ فَقَالَ أَلَا تَعْجَبُونَ مِنْ هَذَيْنِ يَشْرِطَانِ لِي دَوَامَ الْعِزِّ وَبَقَاءَ الْمُلْكِ وَهُمَا بِمَا تَرَوْنَ مِنْ حَالِ الْفُقْرِ وَالذُّلِّ فَهَلَّا أَلْقَيْتَ عَلَيْهِمَا أَسَاوِرَةً مِنْ ذَهَبٍ إِعْظَامًا لِلذَّهَبِ وَجَمْعِهِ وَاحْتِقَارًا لِلصُّوفِ وَلُبْسِهِ

موسی پسر عمران با برادرش هارون - درود خدا بر هر دو باد - بر فرعون در آمدند و با جامه های پشمینه و بی اعتنا به شوکت سلطنت و چوب دستی به نشانه مبارزه با استکبار در دست ؛ پس با وی حجت تمام کردند که اگر تسلیم حق گردد، حکومت وی برقرار و عزتش مستدام بماند، ولی فرعون به اطرفانش گفت :آیا از این دو شگفت نمی آید که دوام سروری و سلطنت مرا در دست خویش می بینند و بر من شرط می گذارند، در حالیکه درویشی و بینوایی را در سر و وضع آنان می بینید، پس دسبندهای طلایشان کجاست ؟ آری ، فرعون طلا را می شناخت و گرد آوردن آنرا بزرگ می داشت و لباس پشمینه و پشمینه پوشی را ناچیز می انگاشت .

آزمایش شدگان سر افراز

۲۸ - وَ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِأَنْبِيَائِهِ حَيْثُ بَعَثَهُمْ أَنْ يَفْتَحَ لَهُمْ كُنُوزَ الذَّهَبَانِ وَمَعَادِنَ الْعِقْيَانِ وَمَغَارِسَ الْجِنَانِ وَأَنْ يَحْشُرَ مَعَهُمْ طُيُورَ السَّمَاءِ وَوُحُوشَ الْأَرْضِينَ لَفَعَلَ وَ لَوْ فَعَلَ لَسَقَطَ الْبَلَاءُ وَبَطَلَ الْجَزَاءُ وَاضْمَحَلَّتِ الْأَنْبَاءُ وَ لَمَّا وَجِبَ لِلْقَابِلِينَ أَجُورُ الْمُبْتَلِينَ وَ لَا اسْتَحَقَّ الْمُؤْمِنُونَ ثَوَابَ الْمُحْسِنِينَ وَ لَا لَزِمَتِ الْأَسْمَاءُ مَعَانِيهَا

و اگر خدای پاک به هنگام بعثت پیامبران اراده می فرمود، که گنجینه های طلا و کانهای زر ناب و باغهای پر درخت به رویشان بگشاید و پرندگان آسمان و جانوران زمین دست آموز آنان باشند، چنین می کرد. اما دیگر آزمایش انسان از دست می شد و دفتر جزا بسته می گردید و پیامهای آسمان از میان می رفت و آنها که به فرمان الهی مخلصانه گردن می نهادند، پاداش آزمایش شدگان رو سپید را در یافت نمی کردند و نام ها با معانی تطبیق نمی کرد و ایمان و کفر، اطاعت و معصیت ، تنها در حوزه الفاظ معایر بود.

پیامبران در دید دنیاپرستان

۲۹ - وَ لَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولَى قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ وَ ضَعْفَهُ فِيمَا تَرَى الْأَعْيُنُ مِنْ حَالَاتِهِمْ مَعَ فَنَاعَةٍ تَمَلُّ الْقُلُوبَ وَ الْعْيُونَ غَنَى وَ خَصَاصَةً تَمَلُّ الْأَبْصَارَ وَ الْأَسْمَاعَ أَدَى

اما خدای سبحان ، پیامبرانش را خداوندان اراده سترگ قرار داد، با قناعتی به وسعت بی نیازی چشم و دلها، و با تنگدستی و رنجی چشمگیر و گوش آزار، ولی دنیا پرستان ، سادگی و تواضع آنان را ضعف انگاشتند. در حالیکه پارسائی و رو گردانیشان از ثروت دنیا، چشمها و دلها را بی نیازی می بخشید دیدن و شنیدن تنگدستیهایشان ، رنج آور بود.

عظمت پیامبران ، شوکت ظاهری نبود

۳۰ - وَ لَوْ كَانَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَهْلَ قُوَّةٍ لَأُتْرَأُوا وَ عِزَّةٍ لَأُتْرَأُوا وَ مُلْكٍ تَمُدُّ نَحْوَهُ أَعْنَاقُ الرِّجَالِ وَ تُشَدُّ إِلَيْهِ عُقَدُ الرِّجَالِ لَكَانَ ذَلِكَ أَهْوَنَ عَلَى الْخَلْقِ فِي الْإِعْتِبَارِ وَ أَبْعَدَ لَهُمْ فِي الْأَسْتِكْبَارِ وَ لَأَمْنُوا عَنْ رَهْبَةِ قَاهِرَةٍ لَهُمْ أَوْ رَغْبَةٍ مَائِلَةٍ بِهِمْ فَكَانَتِ النَّبِيَّاتُ مُشْتَرَكَةً وَ الْحَسَنَاتُ مُقْتَسَمَةً

و اگر پیامبران بر اریکه قدرتی تکیه می زدند که دسترس هیچ آزاری نبودند و از هیمنه سلطه بی برخوردار بودند که دست ستم از آنان کوتاه بود و پادشاهی و شوکتی می داشتند که گردنها به سویشان کشیده می شد و همه از اکناف جهان به آستانشان روی می آوردند. مردم ، آسانتر به اطاعتشان گردن می نهادند و دیرتر به گردنکشی و خود برتر بینی تن در می دادند، ولی ایمانشان یا از ترس حکومت بود و یا امید پاداش و عطوفت ، اما دیگر، نیت ها خالص نبود و شرک در آن ها راه می یافت و نیکیها با دو انگیزه بیم و امید شکل میگرفت .

اطاعت از پیامبران ، تسلیم در برابر خداست

۳۱ - وَ لَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ الْآتِبَاعَ لِرُسُلِهِ وَ التَّصْدِيقُ بِكُتُبِهِ وَ الْخُشُوعُ لَوَجْهِهِ وَ الْإِسْتِكَانَةُ لِأَمْرِهِ وَ الْإِسْتِسْلَامُ لِطَاعَتِهِ أُمُورًا لَهُ خَاصَّةٌ لَا تَشُوْبُهَا مِنْ غَيْرِهَا شَائِبَةٌ وَ كَلَّمَا كَانَتْ الْبُلُوبَى وَ الْإِخْتِبَارُ أَعْظَمَ كَانَتْ الْمُثُوبَةُ وَ الْجَزَاءُ أَجْزَلَ

اما، خدای پاک و منزّه چنین اراده فرمود که پیروی از پیامبران و باور داشت کتاب آنان و فروتنی در برابر آفریدگار و گردن نهادن به فرمان وی و تسلیم بودن در اطاعت و بندگی او، همه ویژه آستانش باشد و در حریم کوی الهی نامحرمی وارد نگردد. بدیهی است هر چه ابتلاء و امتحان سترگ تر باشد، پاداش و کیفر بهتر و بیشتر خواهد بود.

حج و کعبه ، آزمون بزرگ الهی

۳۲ - أَلَا لَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ صَ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَ لَا تَنْفَعُ وَ لَا تُبْصِرُ وَ لَا تَسْمَعُ فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا

آیا در نمی‌نگرید که خداوند - منزّه باد نام وی - انسانها را از آغاز خلقت آدم (ع) تا انجام این جهان ، با سنگهایی که سود و زیانی ندارند و بینوا و شنوا نیستند آزموده است و آن سنگها را خانه محترم خویش قرار داده است تا مردم در پرتو آن و جامعه بین الملل اسلامی را بسازند.

کعبه : بنیادی ترین بنیادها

۳۳ - ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا وَ أَقْلَ نَتَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا وَ أَضْيَقِ بَطُونِ الْأُودِيَةِ قُطْرًا بَيْنَ جِبَالٍ خَشِينَةٍ وَ رِمَالٍ دَمِيئَةٍ وَ عُيُونٍ وَ سَلِيلَةٍ وَ قُرَى مُنْقَطِعَةٍ لَا يَرْكُوبُ بِهَا خُفٌّ وَ لَا حَافِرٌ وَ لَا ظِلْفٌ

و خداوند، خانه خود را بر سنگلاخ ترین بقعه خاکدان زمین نهاد، رملستانی با کمترین استعداد رویش در دنیا و خالی از هر گیاه ، در تنگترین دره فرومانده لابلای کوهساران ناهموار و بر ریگهای نرم و کنار چشمه های بیرمق و روستاهای پراکنده ، که نه شتر آنجا پروار تواند شد و نه اسب و نه گوسفند.

حج : مجتمع معنوی - تجاری مسلمانان

۳۴ - ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَ وَوَلَدَهُ أَنْ يَسْتَوُوا أَعْظَافَهُمْ نَحْوَهُ فَصَارَ مَثَابَةً لِمُنْتَجِعِ أَسْفَارِهِمْ وَغَايَةً لِمَلْفَى رِحَالِهِمْ تَهْوَى إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَقْتَدَةِ مِنْ مَفَاوِزِ قِفَارِ سَحِيقَةِ وَ مَهَاوِي فِجَاجِ عَمِيقَةِ وَ جَزَائِرِ بَحَارِ مُنْقَطِعَةِ حَتَّى يَهْزُوا مَنَاقِبَهُمْ ذُلًّا يَهْلُلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ وَ يَرْمُلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ شُعْنًا غُبْرًا لَهُ قَدْ نَبَذُوا السَّرَابِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ شَوْهُوا بِإِعْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ ابْتِلَاءً عَظِيمًا وَ امْتِحَانًا شَدِيدًا وَ اخْتِبَارًا مُبِينًا وَ تَمَجِّصًا بَلِيغًا جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ وَ وَصَلَهُ إِلَى جَنَّتِهِ

آنگاه ، خداوند به آدم (علیه السلام) و فرزندان او فرمان داد که به سوی آن خانه روی آورند، تا آنجا مرکز داد و ستد و بورس بازرگانی از کاروان های آنان گردد. سویدای دلها به سوی آن حرم ، از عشق او پر می زند و از صحرای سوزان و برهوت سوخته و از کوره راههای کوهها و دره های ژرف ، از دریاها و جزیره های دور افتاده و فراموش شده ، همه دلدادگان عاشق سر از پا نشناخته سرازیر حرم گردیده تا به سعی و طواف کعبه مقدس و خانه مطهر الهی پرداخته و رسوم کبر و در غرور زیر پا نهاده ، مجنون وار و هروله کنان به سوی یار دویده و گرداگرد وی پروانه وش پر زده و سوخته و همه وجودشان فریاد توحید بر آورده و زبانش ترجمان روحشان گردیده . سینه چاک و غبار آلوده ، پابرنه و ژولیده ، پیراهن ها را به دور افکنده و جامه احرام در پوشیده اند و چنان شیدای معبود شده اند که چهره زیبای خویش را در انبوه موهای پریشان ، ناخوشایند ساخته اند تا مس وجودشان در کوره بزرگ ابتلاء و سختی ها دگرگون شده و از کدورات و ناخالصی ها صیقل یافته و برای سینه یار طلای ناب گردیده و به نهایت پاکی و خلوص رسیده اند. خداوند زیارت خانه خویش را که زیارت و لمس همه پاکی ها و زیبایی هاست وسیله رحمت و راه رسیدن به بهشت مینو قرار داده است .

هرکه در این یزم مقرب تر است ...

۳۵ - وَ لَوْ أَرَادَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَضَعَ بَيْتَهُ الْحَرَامَ وَ مَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ بَيْنَ جَنَّاتٍ وَ أَنْهَارٍ وَ سَهْلٍ وَ قَرَارٍ جَمِّ الْأَشْجَارِ دَانِي الثَّمَارِ مُلْتَفِّ الْبُنْيِ مُتَّصِلِ الْقُرَى بَيْنَ بَرَّةٍ سَمْرَاءَ وَ رَوْضَةٍ خَضْرَاءَ وَ أَرْيَافٍ مُحَدَّقَةٍ وَ عِرَاصٍ مُعَدَّقَةٍ وَ رِيَاضٍ نَاصِرَةٍ وَ طُرُقٍ عَامِرَةٍ لَكَانَ قَدْ صَغُرَ قَدْرُ الْجُزْأِ عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ

و اگر خدای پاک اراده می فرمود، خانه محترم خود و عبادتگاههای سترگ آن را لابلای باغستانها و جویباران و بر دشت و ماهروی هموار با درختانی انبوه و میوه هایی در دسترس کنار ساختمانهایی تو در تو و آبادی های به هم پیوسته و گند مزارهای طلایی و بوستان سرسبز و خرم با مرغزاری بر گرد آن و در منطقه یی پر باران و همیشه بهار و کشت های تازه و شاداب و بزرگراههای مجهز و آباد، قرار می داد. اما آسانی آزمون و کمبود سختی ها ارزش پاداش را اندک و ناچیز می گرداند.

ایمان در پایگاه معرفت و یقین

۳۶ - وَ لَوْ كَانَ الْإِسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَالْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمْرَةِ خَضْرَاءَ وَيَأْفُوتَةَ حُمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشُّكِّ فِي الصُّدُورِ وَ لَوْضَعَ مُجَاهِدَةَ إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ وَ لَنَفَى مُعْتَلِجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجًا لِلتَّكْبُرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ إِسْكَانًا لِلتَّنَدُّلِ فِي نَفُوسِهِمْ وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَابًا فَتْحًا إِلَى فَضْلِهِ وَ أَسْبَابًا ذُلًّا لِعَفْوِهِ

و اگر سنگسپایه های کعبه که خانه بر آنها استوار است و سنگ دیواره های آن ، از زمرد سبز گون و یاقوت سرخ فام ، و در هاله یی از نور و فروغ بود، جدال شک را در سینه ها کم می کرد و کوشش ابلیس را از دلها می زدود و امواج تردید و گمان در بین مردم فروکش می کرد، اما خداوند، بندگانش را به آزمونهای گوناگون می آزماید و به کوششهای رنگارنگ در مسیر تعبد و بندگی خالص قرار می دهد و به انواع سختی ها مبتلایشان می سازد تا خانه دل را از لوث خود خواهی و تکبر فروشوید و فروتنی را در عمق جانیشان بر نشاند تا درهای فضل و رحمت به سویشان گشوده شود و به سهولت وسیله بخشایش فراهم گردد

نخوت ، دام بزرگ شیطان

۳۷ - فَاللَّهُ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبَغْيِ وَ آجِلِ وَخَامَةِ الظُّلْمِ وَ سُوءِ عَاقِبَةِ الْكِبْرِ فَإِنَّهَا مَصِيدَةُ إِبْلِيسَ الْعُظْمَى وَ مَكِيدَتُهُ الْكُبْرَى الَّتِي تُسَاوِرُ قُلُوبَ الرَّجَالِ مُسَاوِرَةَ السُّمُومِ الْقَاتِلَةِ فَمَا تُكْدِي أَبَدًا وَ لَا تُشْوِي أَحَدًا لَا عَالِمًا لِعِلْمِهِ وَ لَا مُقِلًّا فِي طَمْرِهِ

پس از خدا بترسید، از خدا بترسید، از کیفر سرکشی در این جهان و سرانجام وخیم ستم در آن سرا و بد فرجامی نخوت ، زیرا این کبر و نخوت دام بزرگ شیطان و نیرنگ سترگ اوست که چونان زهر کشنده بر دلها می جهد، پس ، شیطان هرگز به ناتوانی نرود و از کار باز نایستد و دقیقا هدف را نشانه می گیرد و از هیچکس هم در نمی گذرد، نه از علم دانشمند پروا دارد و نه از جامه ژنده مستمند.

نقش انسان در پیروزی بر شیطان

۳۸ - وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَّاتِ وَ مُجَاهِدَةَ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ وَ تَخْشِيعًا لِأَبْصَارِهِمْ وَ تَذَلِيلًا لِنُفُوسِهِمْ وَ تَخْفِيزًا لِقُلُوبِهِمْ وَ إِذْهَابًا لِلْخِيَلَاءِ عَنْهُمْ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنْ تَغْيِيرِ عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالْتَّرَابِ تَوَاضِعًا وَ التَّصَاقِ كَرَائِمِ الْجَوَارِحِ بِالأَرْضِ تَصَاغُرًا وَ لِحُوقِ الْبُطُونِ بِالْمُتُونِ مِنَ الصِّيَامِ تَذَلُّلاً مَعَ مَا فِي الزَّكَاةِ مِنْ صَرْفِ ثَمَرَاتِ الأَرْضِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ إِلَى أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْفَقْرِ

و از اینجاست که خدا بندگان مؤمن خود را با ((نماز)) و ((زکات)) و سختکوشی ایام روزه داری ، حفظ می فرماید تا اندامشان از گناه بیمه گردد و چشمانشان فروتنی آموزد و جانشان خاکساری گیرد و دلایشان فروهستگی پذیرد و خودپسندی از آن به کلی رخت بریندد. چرا که در نماز چهره های کریم از روی فروتنی بر خاک سائیده گردد و سر و روئی که همیشه بر بلندای انسان سروری دارد از سر خاکساری و کوچک شماری در برابر خداوند بر زمین نهاده شود و از سر فروتنی در روزه ، پرواری و شکمبارگی فراموش گردد و به برکت زکات ، بهره های زمین و جز این در راه مستمندان مصرف شود.

راز نماز

۳۹ - انظروا إلی ما فی هذه الأفعال من قمع نواجیم الفخر و قدح طوالع الکبیر

به اسرار آنچه در این کارهای ((پرستش سو)) است با همه وجود بنگرید: از سرکوبی جوانه های نازیدن و ریشه کن کردن درختان کبر ورزیدن .

انگیزه های تعصب

۴۰ - وَ لَقَدْ نَظَرْتُ فَمَا وَجَدْتُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ يَتَعَصَّبُ لِشَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ إِلَّا عَنْ عِلَّةٍ تَحْتَمِلُ تَمْوِيَهُ الْجُهْلَاءُ أَوْ حُجَّةٍ تَلِيطُ بِعُقُولِ السُّفَهَاءِ غَيْرُكُمْ غَيْرُكُمْ فَانْكُمُ تَتَعَصَّبُونَ لِأَمْرٍ مَا يَعْرِفُ لَهُ سَبَبٌ وَلَا عِلَّةٌ أَمَا إِبْلِيسُ فَتَعَصَّبَ عَلَى آدَمَ لِأَصْلِهِ وَ طَعَنَ عَلَيْهِ فِي خَلْقَتِهِ فَقَالَ أَنَا نَارِيٌّ وَأَنْتَ طِينِيٌّ وَ أَمَا الْأَغْنِيَاءُ مِنْ مُتْرَفَةِ الْأُمَّمِ فَتَعَصَّبُوا لِآثَارِ مَوَاقِعِ النَّعْمِ فَ قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ

هر چه نگریستم ، آدمی نیافتم که به چیزی تعصب ورزد مگر آنکه از روی انگیزه و علتی بوده است ، نظیر آنچه در چشم نادانان آب و رنگی دارد، یا دلیلی که لایق عقل بیخردان و سفیهان است ، جز شما که در چیزی تعصب دارید که برای آن سببی نمی توان یافت ، اما شیطان : بر آدم به خاطر اصل و طینت او تعصب ورزید و خلقتش را به مسخره گرفت و به او گفت : من از آتشم و تو از خاک و دیگر ثروتمندان زر اندوز ناز پرورده از هر امت : اینان به آثار فراوانی نعمتها تعصب می ورزیدند و می گفتند: ما دارایی و فرزندانمان بیشتر است و هرگز عقاب و عذاب نخواهیم دید.

اینست تعصب صحیح

۴۱ - فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَ مَحَاسِنِ الْأُمُورِ الَّتِي تَفَاضَلَتْ فِيهَا الْمُجْدَاءُ وَ النُّجْدَاءُ مِنْ بِيُوتَاتِ الْعَرَبِ وَ يَعَاسِبِ الْقَبَائِلِ بِالْأَخْلَاقِ الرَّغِيْبَةِ وَ الْأَحْلَامِ الْعَظِيْمَةِ وَ الْأَخْطَارِ الْجَلِيلَةِ وَ الْآثَارِ الْمَحْمُودَةِ

باری ، اگر اینطور که باید حتما تعصبی داشت ، پس شمایان باید تعصبتان برای خصلت های والا و کردارهای ستوده و امور نیکو و پسندیده بی باشد که انسانهای شریف و بزرگوار و دلاوران خاندان های عرب و پیشاهنگان و بزرگان قبایل به وسیله آنها در خوی های دلپسند و اندیشه های سترگ و مراتب بلند و آثار پسندیده بر یکدیگر برتری می جویند.

۴۲ - فَتَعَصَّبُوا لِخِلَالِ الْحَمْدِ مِنَ الْحَفْظِ لِلْجَوَارِ وَالْوَفَاءِ بِالذَّمَامِ وَالطَّاعَةِ لِلْبِرِّ وَالْمَعْصِيَةِ لِلْكَبِيرِ وَالْأَخْذِ بِالْفَضْلِ وَالْكَفِّ عَنِ الْبَغْيِ وَالْإِعْظَامِ لِلْقَتْلِ وَالْإِنْصَافِ لِلْخَلْقِ وَالْكَظْمِ لِلْغَيْظِ وَالْاجْتِنَابِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ

پس برای خصلت های پسندیده تعصب داشتق باشید مانند: نگهداشت حق همسایه ، وفا به پیمان ، فرمانبرداری از نیکوکاران و نافرمانی گردنکشان ، احسان به هنگام چیرگی تان ، خودداری از ستم و گردنکشی ، مهم شمردن خونریزی و انصاف نسبت به مردم و فرونشاندن خشم و دوری جستن از فساد در زمین .

تاریخ ، آینه عبرت

۴۳ - وَ احْذَرُوا مَا نَزَلَ بِالْأَمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمَثَلَاتِ بِسُوءِ الْأَفْعَالِ وَ ذَمِيمِ الْأَعْمَالِ فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ وَ احْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ

تاریخ ، آینه گذشتگان است ، در این آینه عبرت نیک بنگرید و از آنچه بر سر امت های پیشین آمده بهراسید: از عذابهایی که نتیجه بد رفتاری و زشتکاری آنها بود. و در هنگامه خوبی ها و بدی ها، یعنی : در قوس صعود و نزول ، حالاتشان را به یاد آورید تا در سراشیبی سقوط درنغلطید.

بدان کارها تاسی کنید که ره آورد عزت باشد

۴۴ - فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالِهِمْ فَالزُّمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةُ بِهِ شَانَهُمْ وَ زَاوَتِ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ وَ مُدَّتِ الْعَافِيَةُ بِهِ عَلَيْهِمْ وَ انْقَادَتِ النُّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ وَ وَصَلَتِ الْكِرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ مِنَ الْاجْتِنَابِ لِلْفِرْقَةِ وَ اللُّزُومِ لِلْإِلَافَةِ وَ التَّنَاحُضِ عَلَيْهَا وَ التَّوَاصِي بِهَا وَ اجْتَنَبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُمْ وَ أَوْهَنَ مُنْتَهُمُ مِنَ تَضَاعُنِ الْقُلُوبِ وَ تَشَاخُنِ الصُّدُورِ وَ تَدَابُرِ النُّفُوسِ وَ تَخَادُلِ الْأَيْدِي

پس ، آنگاه که در آینه تاریخ نگریتید و سرگذشت ناهمگون پیشینیان را از نظر گذرانیدید و بازتاب کردار زشت و زیبایشان را به تماشا نشستید، البته بدان کارها تاسی کنید که ره آورد عزتشان و نابودی و ذلت دشمنشان بود و موجب دوام و رستگاری آنان گردید و به برکت آن ، درهای نعمت به رویشان باز شد و رشته استوار بزرگواری و ارجمندی ، آنان را از جدایی دور داشت و به یکدیگر پیوند داد و فرهنگ الفت و تربیت یکدلی را سفارش کرد و از هر چیز که پابر جایی و سرفرازی آنها را شکست و توانشان را در سایه شوم کینه ورزی ، دشمنجویی ناهماهنگی و کارشکنی گسست دوری کنید.

رنج آزمون

۴۵ - وَ تَدَبَّرُوا أَحْوَالَ الْمَاضِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَكُمْ كَيْفَ كَانُوا فِي حَالِ التَّمَحِيصِ وَ الْبَلَاءِ أَلَمْ يَكُونُوا أَنْقَلَ الْخَلَائِقِ أَعْبَاءً وَ أَجْهَدَ الْعِبَادِ بَلَاءً وَ أَضْيَقَ أَهْلِ الدُّنْيَا حَالًا اتَّخَذَتْهُمْ الْفِرَاعِنَةُ عَيْبِدًا فَسَامُوهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَ جَرَعُوهُمْ الْمُرَارَ فَلَمْ تَبْرَحِ الْحَالُ بِهِمْ فِي ذُلِّ الْهَلَكَةِ وَ قَهْرِ الْغَلْبَةِ لَا يَجِدُونَ حِيلَةً فِي امْتِنَاعٍ وَ لَا سَبِيلًا إِلَى دِفَاعٍ

و در احوال گذشتگان مومن خود اندیشه کنید که در رنج آزمون چگونه بودند؟ آیا از همه مردم پرمسئولیت تر و گرانبارتر و در بوته آزمایش سختکوش تر نبودند؟ و از همه جهانیان بیشتر در تنگنا قرار نمی گرفتند؟ فرعون ها آنان را به بردگی گرفتند و داغ شکنجه های سخت برایشان نهادند و زهر تلخ سختی را جرعه جرعه به آنها نوشاندند چنانکه همواره ابر شوم و مرگ آفرین و استیلاء ظالمانه بر آنان سایه افکنده بود، همه درهای اعتراض و مخالفت به رویشان بسته و همه راههای دفاع و نجات قطع و مسدود بود؟

پیروزی در سایه شکیبایی

۴۶ - حَتَّى إِذَا رَأَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ جِدَّ الصَّبْرِ مِنْهُمْ عَلَى الْأَذَى فِي مَحَبَّتِهِ وَ الْإِحْتِمَالَ لِلْمَكْرُوهِ مِنْ خَوْفِهِ جَعَلَ لَهُمْ مِنْ مَضَلِّقِ الْبَلَاءِ فَرَجًا فَأَبْدَلَهُمُ الْعِزَّ مَكَانَ الذُّلِّ وَ الْأَمْنَ مَكَانَ الْخَوْفِ فَصَارُوا مُلُوكًا حُكَّامًا وَ أَيْمَةً أَعْلَامًا وَ قَدْ بَلَغَتِ الْكِرَامَةُ مِنَ اللَّهِ لَهُمْ مَا لَمْ تَذْهَبِ الْأَمَالَ إِلَيْهِ بِهِمْ

تا آنگاه که خدای متعال نهایت شکیبایی و پایداری آنان را در برابر آزارها، به پاس محبت خویش ، دید و نیز شاهد تحمل ناملايمات جانکاه آنان به خاطر ترس الهی بود، به یکباره ابرهای تیره ستم را پراکنده و از تنگناهای رنج ، راهی گشود و خواری شان را به عزت و ترسشان را به امنیت و آرامش بدل کرد و آنان فرمانروایان و پیشوایان بنام شدند و کرامت خداوندی ، فراسوی آرزو، بدانان رسید.

وحدت ، راز پیروزی

۴۷ - فَاَنْظُرُوا كَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتْ الْأَمْلَاءُ مُجْتَمِعَةً وَالْأَهْوَاءُ مُؤْتَلِفَةً وَالْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً وَالْأَيْدِي مُتْرَافِقَةً وَالسُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً وَالْبِصَائِرُ نَافِذَةً وَالْعَزَائِمُ وَاحِدَةً أَلَمْ يَكُونُوا أَرْبَابًا فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِينَ وَمُلُوكًا عَلَى رِقَابِ الْعَالَمِينَ

اینک بنگرید که چگونه بودند هنگامی که گروه ها همدل و خواستها همگون و دلها همراه و دستها همسو و شمشیرها در یاری یکدیگر و بیفش ها ژرف و اراده ها یگانه بود. آیا سروران همه سوی زمین و فرمانروایان مردم جهان نبودند؟

سرانجام شوم اختلاف

۴۸ - فَاَنْظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ وَتَشَتَّتَتِ الْأَلْفَةُ وَاخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَالْأَفِيدَةُ وَتَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ وَتَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ وَقَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كَرَامَتِهِ وَسَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ وَبَقِيَ قِصَصُ أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ عِبْرًا لِلْمُعْتَبِرِينَ مِنْكُمْ

و بنگرید که سرانجام بر سرشان چه آمد؟! وقتی که بین آنها جدایی افتاد و رشته الفتشان گسیخت و یگانگی زبان و دلشان از میان رفت و با اختلاف شاخه شاخه شدند و در جنگ باهم پراکندند، خداوند خلع لباس بزرگواری از ایشان نمود و فراوانی نعمت خود را از آنان ستاند و تنها داستان سرگذشت آنان در میان شما باز ماند تا عبرتی برای پند آموزان شما باشد.

سرنوشت پراکندگی در دودمانهای اصیل

۴۹ - فَاعْتَبِرُوا بِحَالِ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَبَنِي إِسْحَاقَ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ عَ فَمَا أَشَدَّ اعْتِدَالَ الْأَحْوَالِ وَأَقْرَبَ اشْتِبَاهِ الْأُمْتَالِ تَأْمَلُوا أَمْرَهُمْ فِي حَالِ تَشْتُّهِمْ وَتَفَرُّقِهِمْ لِيَالِي كَانَتِ الْأَكْسِرَةُ وَالْقِيَاصِرَةُ أَرْبَابًا لَهُمْ يَخْتَارُونَهُمْ عَنْ رِيفِ الْأَفَاقِ وَبَحْرِ الْعِرَاقِ وَخُضْرَةِ الدُّنْيَا إِلَى مَنَابِتِ الشَّيْحِ وَمَهَابِي الرِّيحِ وَنَكْدِ الْمَعَاشِ

و از سرگذشت دودمان پیامبران عالیمقدار: اسماعیل اسحق و یعقوب - درود بر آنان - پند گیرید، چقدر سرگذشتها همگون و همانندی داستانها نزدیک است . اینک سرنوشت پراکندگی و جدایی آنان را به تماشا بنشینید در روزگاران تیره ای که کسری ها و قیصرها سرور آنان بودند: پایشان را از همه کشتزارهای سرسبز و از دجله و فرات بردند و آنها را از سبزه زار جهان بیرون راندند: به سوی سرزمین های علفهای خودرو و گذرگاه بادهای سخت و تنگنای معاش .

وحدت در پرتو دعوت انبیاء

۵۰ - فَتَرَكَوهُمْ عَالَةً مَسَاكِينَ إِخْوَانَ دَبْرٍ وَ وَبِرٍ أَدَلَّ الْأُمَمَ دَارًا وَ أَجْدَبَهُمْ قَرَارًا لَا يَأْوُونَ إِلَى جَنَاحِ دَعْوَةِ نَهْجِ الْبِلَاغَةِ ص :
 ۲۹۸ يَعْتَصِمُونَ بِهَا وَ لَا إِلَى ظِلِّ الْفَلَةِ يَعْتَمِدُونَ عَلَى عِزِّهَا

آنها را درویش و مستمند به شتر چرانی و زندگی مشقت بار وا گذاشتند، در پست ترین خانه های روی زمین و خشک ترین و بی آب ترین جای ها. آنان نه زیر بال قانون و دعوتی جمع می شدند تا چنگ آویز نجاتی شوند و نه به سایه مهربانی و همدلی پناه می بردند تا به شوکت آن پشت گرم و عزیز باشند.

سیمای جاهلیت

۵۱ - فَأَلَا حَوَالُ مُضْطَرِبَةٍ وَ الْأَيْدِي مُخْتَلِفَةٌ وَ الْكَثْرَةُ مُتَفَرِّقَةٌ فِي بَلَاءٍ أَزَلٍ وَ أَطْبَاقٍ جَهْلٍ مِنْ بَنَاتٍ مَوْءُودَةٍ وَ أَصْنَامٍ مَعْبُودَةٍ وَ أَرْحَامٍ مَقْطُوعَةٍ وَ غَارَاتٍ مَشْنُونَةٍ

پریشانی و نگرانی ، سیمای آنان ، دستها تنها و بی صدا، انبوه ها پراکنده و در بلائی سخت و زیر لایه های گرانبار جهل - چون زنده به گور کردن دختران و بت پرستی و گسستن پیوند خویشاوندی و از هر سو در چنبر غارت - به سر می بردند.

پیامبر رحمت و جامعه ی برین

۵۲ - فَانظُرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ وَ جَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ الْفِتْنَةَ

اینک فراز آید و از بلندای تفکر بنگرید که نعمت های الهی چسان چون باران بیکران بر آنان فرو بارید به هنگامی که خدا پیامبری به سویشان گسیل داشت و آن وجود مبارک در زیر سایه آیین نورانی اسلام ، جامعه برین یعنی فرمانبر الهی را پدید آورد و با پیام آسمانی خویش ، الفت آنان را فراهم ساخت .

نسیم جامعه ایده ال الهی

۵۳ - كَيْفَ نَشَرْتَ النَّعْمَةَ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كَرَامَتِهَا وَ أَسَالَتْ لَهُمْ جَدَاوِلَ نَعِيمِهَا وَ التَّقَاتِ الْمِلَّةَ بِهِمْ فِي عَوَائِدِ بَرَكَتِهَا فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَرِيقِينَ وَ فِي خُضْرَةِ عَيْشِهَا فَكَيْفِينَ قَدْ تَرَبَّعْتَ الْأُمُورُ بِهِمْ فِي ظِلِّ سُلْطَانٍ قَاهِرٍ وَ أَوْتَهُمُ الْجَالُ إِلَى كَنْفِ عِزِّ غَالِبٍ وَ تَعَطَّفَتِ الْأُمُورُ عَلَيْهِمْ فِي ذُرَى مُلْكٍ نَابِتٍ فَهُمْ حُكَّامٌ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ مُلُوكٌ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِينَ يُمْلِكُونَ الْأُمُورَ عَلَى مَنْ كَانَ يُمْلِكُهَا عَلَيْهِمْ وَ يُمَضُونَ الْأَحْكَامَ فِيمَنْ كَانَ يُمَضِّيهَا فِيهِمْ لَا تُعْمَزُ لَهُمْ قَنَاءٌ وَ لَا تُقْرَعُ لَهُمْ صَفَاءٌ

بیندیشید که چگونه کامیابی ها، شهبال کرامت برایشان بگسترده و جویبار ناز و نعمت بر سرزمین وجودشان جاری ساخت و شریعت پاک محمدی (صلی الله علیه و آله) به آنان زندگی سود آور و پر برکت ارزانی فرمود و نسیم جامعه ایده ال الهی وزیدن گرفت و چنین شد که دریای پر نعمت دین، ایشان را فراگرفت و چهره زیبا و پر طراوت زندگی به آنان لبخند زد و در پرتو حکومت فراگیر پیامبر، کارها به سامان رسید و مردم در پناهگاه عزت و پیروزی مستقر شدند و در راستای دستیابی به ستیغ بلند سروری کارها روی خوش نشان دادند و همه بر وفق مراد شدند و در نتیجه مسلمانان بر جهانیان حکومت یافتند و در سراسر گیتی حکمروا شدند، بدانسان که اختیار پادشاهان و سرنوشت آنان در دست مسلمین قرار گرفت و دستورات و احکام از سوی آنان به امضاء می رسید، دیگر از هیچ سو آماج نیزه و سنگ کسی نبودند و آزاری نمی دیدند.

پاسدار با روی بلند الهی باشید

۵۴ - أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَ تَلَمَّتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ ائْتَنَّا عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَ يَأْوُونَ إِلَيْهَا كَنْفَهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ وَ أَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ

اینک شما - پس از عروج ملکوتی پیامبر - با قضاوت‌های جاهلانه، دست از ریسمان فرمانبری خدا رها کردید و در باروی بلند الهی که شما را از شر خطرها در مهد امنیت قرار می داده، شکاف ایجاد کردید، در حالی که خدا - منزه است نام وی - بر این امت با پیوند این همدلی منت نهاده بود، همان همدلی و الفتی که در سایه آن می خرامیده و در پناه آن می آرامیدند، و چه نعمت گرانسنگ و سترگی که هیچ آفریده بی توان شناخت آنرا نمی داشت، چون برتر از هر بهاء و گرانقدرتر از هر پر بهاء بود.

چرا بازگشت به جاهلیت؟!

۵۵ - وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ أَغْرَابًا وَبَعْدَ الْمَوْلَاةِ أَحْزَابًا مَا تَتَعَلَّقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا بِاسْمِهِ وَلَا تَعْرِفُونَ مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا رَسْمَهُ

و بدانید که پس از هجرت از ذلت کفر، و تماشای فروغ ایمان، دوباره به جاهلیت سیاه و نکبت بار باز گشتید و بعد از ورود در سایه سار نخل وحدت و دوستی، گروه گروه شدید، تنها نام اسلام را یدک می کشید و دیگر هیچ و از ایمان جز مراسم خشک و بی محتوا نمی دانید.

اسلام، حرم امن عدالت

۵۶ - تَقُولُونَ النَّارَ وَلَا الْعَارَ كَأَنَّكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَكْفُرُوا بِالْإِسْلَامِ عَلَيَّ وَجْهًا أَنْتَهَاكَا لِحَرِيمِهِ وَتَقْضَى لِمِيثَاقِهِ الَّذِي وَضَعَهُ اللَّهُ لَكُمْ حَرَمًا فِي أَرْضِهِ وَأَمْنًا بَيْنَ خَلْقِهِ

اطاعت از امام و پذیرش حق را ننگ می دانید و میگوئید در آتش می رویم اما تن به ننگ نمی دهیم، گویی میخواهید اسلام را در آینه افکار عمومی وارونه جلوه دهید تا حرمت و عظمت آن شکسته و پیمان الهی اسلام که حرم امن عدالت و تربیت و پناهگاه مردمی است در هم کوبیده شود.

مسلمان در سایه اسلام، و اسلام در سایه ولایت

۵۷ - وَإِنَّكُمْ إِنْ لَجَأْتُمْ إِلَىٰ غَيْرِهِ حَارَبَكُمْ أَهْلُ الْكُفْرِ ثُمَّ لَا جَبْرَائِيلَ وَلَا مِيكَائِيلَ وَلَا مُهَاجِرُونَ وَلَا أَنْصَارَ يَنْصُرُونَكُمْ إِلَّا الْمُقَارَعَةَ بِالسَّيْفِ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَكُمْ

به هوش باشید که عزت مسلمان و پیروزی حکومت اسلامی، در سایه اسلام و امدادهای غیبی است که فرشتگان الهی چون جبرئیل و میکائیل، حامل آنند و مسلمانان مخلص و مبارز، باور آن و اگر شما پرچم پر افتخار ولایت را از سر بگیرید و اطاعت امام را وانهد و با او بستیزید، کافران بر شما بورش برند و آنگاه دیگر نه از امدادهای غیبی خبری است و نه از ایثار و جهاد مهاجر و انصار، تنها شما می مانید و شمشیرهایتان که بر یکدیگر فرود آرید، تا خدا چه حکم کند و چه مقرر دارد.

کیفر الهی دور نیست

۵۸ - وَإِنَّ عِنْدَكُمْ لَآمَالَ مِمَّنْ بَأْسَ اللَّهِ وَقَوَارِعِهِ وَأَيَّامِهِ وَقَائِعِهِ فَلَا تَسْتَبْطِنُوا وَعَيْدُهُ جَهْلًا بِأَخْذِهِ وَتَهَاوُنًا بِبَطْشِهِ وَيَأْسًا مِنْ بَأْسِهِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقَرْنَ الْمَاضِيَ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لَتَرْكِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَالْحُلَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي

شمایان نمونه هایی از خشم خدا و بلاهای کوبنده او و روزهای پر نشیب و فراز و پر حادثه را پیش چشم دارید، پس چرا از روی نادانی نسبت به مواخذه الهی و با سهل انگاری غضب وی و بی اعتنایی به شدت خشم او کیفر الهی را دیر و دور می پندارید؟! خداوند - که منزله باد نام وی - گذشتگان نزدیک شما را از رحمت محروم نفرمود مگر به خاطر وا نهادن امر به معروف و نهی از منکر پس، نفرین خدا بر بیخردان، به انجام گناه و بر تماشاگران بی تفاوت، به جرم باز نداشتن از گناه.

جهاد با ناکثین و قاسطین و مارقین

۵۹ - أَلَا وَ قَدْ قَطَعْتُمْ قَيْدَ الْإِسْلَامِ وَ عَطَّيْتُمْ حُدُودَهُ وَ أَمْتَمْتُمْ أَحْكَامَهُ أَلَا وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِقِتَالِ أَهْلِ الْبَغْيِ وَ النَّكْثِ وَ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ فَأَمَّا النَّاكِثُونَ فَقَدْ قَاتَلْتُمْ وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَقَدْ جَاهَدْتُمْ وَ أَمَّا الْمَارِقَةُ فَقَدْ دَوَّخَتْ وَ أَمَّا شَيْطَانُ الرَّذْهَةِ فَقَدْ كَفَيْتُهُ بِصَعْقَةٍ سَمِعَتْ لَهَا وَجِبَةُ قَلْبِهِ وَ رَجَّةٌ صَدْرِهِ

بدانید که شما رشته اسلام را گسیختید و آن فضای نورانی و جامه ایده آل انسانی را در هم کوبیدید و دستورات قضایی آنرا تعطیل کردید و احکام آنرا میرانیدید و بدانید که خدا به من فرمان داده است که با سرکشان و پیمان شکنان و مفسدان زمین بجنگم، پس با پیمان شکنان (ناکثین) جنگیدم و با آنانکه دست از حق برداشتند (قاسطین) جهاد کردم و کسانی که از دین خدا بیرون رفتند (مارقین) زبون و ذلیل ساختم و اما (شیطان ردهه) (۶) را تنها به نعره بی بسنده کردم و با همان نعره، تپش مرگ آلود دل و لرزه سینه اش را شنیدم.

۶۰ - وَ بَقِيَتْ بَقِيَّةٌ مِنْ أَهْلِ الْبَغْيِ وَ لَتُنْ أذِنَ اللَّهُ فِي الْكُرَّةِ عَلَيْهِمْ لِأَدِيلِنَّ مِنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَشَدَّرُ فِي أَطْرَافِ الْبِلَادِ تَشَدُّرًا

و تتمه یی از سرکشان باقی ماندند، (۷) که اگر خداوند حمله بر ایشان را رخصت فرماید، دولت و یارایی را از آنها گرفته و بر کرسی حق خواهم نشاند و تباهشان خواهم ساخت مگر اندکی از آنان که در اطراف شهرها پراکنده شوند.

شجاعت و شخصیت امام

۶۱ - أَنَا وَضَعْتُ فِي الصَّغْرِ بِكُلِّ كِلِ الْعَرَبِ وَ كَسَرْتُ نَوَاجِمَ قُرُونِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ وَ قَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالْقَرَابَةِ الْقَرِيبَةِ وَ الْمَنْزِلَةِ الْخَصِيصَةِ وَضَعَنِي فِي حِجْرِهِ وَ أَنَا وَ لَدَّ يَضُمُّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَ يَكْفُنُنِي فِي فِرَاشِهِ وَ يُمَسِّسُنِي جَسَدَهُ وَ يُشِمُّنِي عَرْفَهُ وَ كَانَ يَمْضَغُ الشَّيْءَ ثُمَّ يُلْقِمُنِيهِ وَ مَا وَجَدَ لِي كَذِبَةً فِي قَوْلٍ وَ لَا خَطْلَةً فِي فِعْلٍ وَ لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ ص مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيمًا أَكْبَرًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْأَلُكَ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ

من در نوجوانی پشت قهرمانان عرب را به خاک افکندم و شاخ های نو دمیده ربیعه و مضر را شکستم و سرکردگان آنها را به هلاکت رساندم و شما موقعیت خویشاوندی نزدیک و منزلت ویژه مرا نزد پیامبر می دانید: از همان اوان شیر خواری مرا به دامن می گرفت و به سینه اش می چسبانید و در بستر خویش در پناه می گرفت و بدنش را به بدنم می سایید و بوی دلاویزش را در مشام جانم میریخت، لقمه را می جوید و آنگاه به دهانم می نهاد. آن پیامبر عزیز از سوی من، نه دروغی در گفتار دید و نه خطایی در کردار. و خداوند از همان آغاز شیرخواری بر آن بزرگوار، سترگ ترین فرشتگان خویش را گمارده بود تا شب و روز او را به راه فضیلت ها و نیکی های اخلاقی جهان، رهنمون باشند.

پیامبر (ص) در جبهه تربیت، فرمانده ام بود

۶۲ - وَ لَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ اتِّبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرُ أُمِّهِ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَ يَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ

من نیز از او پیروی می کردم، درست مانند نوباوه یی که پا به پای مادر ره می سپارد و او در جبهه تربیت، فرمانده ام بود و من نیز برای او چون لشگری، لذا هر روز پرچمی بر می افراخت و به من فرمان می داد از آن پیروی کنم.

پیامبر (ص) در خلوت انس

۶۳ - وَ لَقَدْ كَانَ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحَرَاءِ فَارَاهُ وَ لَا يَرَاهُ غَيْرِي وَ لَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا

پیامبر هر سال در غار حرا مدتی به خلوت می نشست و تنها من او را می دیدم و جز من دیگری به دیدار او توفیق نمی یافت. هنوز اسلام در هیچ خانواده یی شکل نیافته بود مگر آنجا که رسول خدا بود و خدیجه و من سومین آنان بودم.

تو! محرم آستان ملکوتی

۶۴ - أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَ الرِّسَالَةَ وَ أَشْمُ رِيحَ التُّبُوَّةِ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ ص فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّئَةُ فَقَالَ هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ أَيْسَ مِنْ عِبَادَتِهِ إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَ تَرَى مَا أَرَى إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ وَ لَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ

نور وحی و رسالت را می دیدم و شمیم پیامبری را می شنودم، آواز اندوهناک شیطان را به هنگام رسیدن وحی بر پیامبر - درود خدا بر او و خاندانش - شنیدم و پرسیدم یا رسول الله این چه آوایی است؟ فرمود: این شیطان است که از پیروی شدن به نومیدی رسیده است، تو! محرم آستان ملکوتی و آنچه من می شنوم می شنوی و چشمهای حق بین تو نیز ملکوت را شاهد است و آنچه می بینم تو نیز می بینی جز آنکه تو پیامبر نیستی، اما تو وزیری و خیر با تو باد.

علی (ع) شاهد صادق معجزات پیامبر (ص)

۶۵ - وَ لَقَدْ كُنْتُ مَعَهُ صَ لَمَّا أَتَاهُ الْمَلَأُ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ قَدْ ادَّعَيْتَ عَظِيمًا لَمْ يَدَّعِهِ أَبَاؤُكَ وَ لَا أَحَدٌ مِنْ بَنِيكَ وَ نَحْنُ نَسْأَلُكَ أَمْرًا إِنْ أَنْتَ أَجَبْتَنَا إِلَيْهِ وَ أَرَبْتَنَا عَلِمْنَا أَنَّكَ نَبِيٌّ وَ رَسُولٌ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ عَلِمْنَا أَنَّكَ سَاحِرٌ كَذَّابٌ فَقَالَ صَ وَ مَا تَسْأَلُونَ قَالُوا تَدْعُونَا هَذِهِ الشَّجْرَةَ حَتَّى تَنْقَلِعَ بِعُرْوَتِهَا وَ تَقِفَ بَيْنَ يَدَيْكَ فَقَالَ صَ إِنْ اللّٰهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَإِنْ فَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ ذَلِكَ أَ تُوْمِنُونَ وَ تَشْهَدُونَ بِالْحَقِّ قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَإِنِّي سَأَرِيكُمْ مَا تَطْلُبُونَ وَ إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّكُمْ لَا تَفِيئُونَ إِلَيَّ خَيْرٍ وَ إِنْ فِيكُمْ مَنْ يُطْرَحُ فِي الْقَلْبِ وَ مَنْ يُحْرَبُ الْأَحْزَابُ ثُمَّ قَالَ صَ يَا أَيُّهَا الشَّجْرَةَ إِنْ كُنْتَ تُوْمِنِينَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ تَعْلَمِينَ أَنِّي رَسُولُ اللّٰهِ فَانْقَلِعِي بِعُرْوَتِكَ حَتَّى تَقِفِي بَيْنَ يَدَيَّ بِإِذْنِ اللّٰهِ فَوَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَأَنْقَلِعَتْ بِعُرْوَتِهَا وَ جَاءَتْ وَ لَهَا دَوِيٌّ شَدِيدٌ وَ قَصْفٌ كَقَصْفِ أُجْنِحَةِ الطَّيْرِ حَتَّى وَقَفَتْ بَيْنَ يَدَيَّ رَسُولُ اللّٰهِ صَ مُرْفَرَفَةً وَ أَلْقَتْ بَعْضُهَا الْأَعْلَى عَلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَ وَ بَعْضُهَا أُغْصَانُهَا عَلَى مَنْكِبِي وَ كُنْتُ عَنْ يَمِينِهِ صَ فَلَمَّا نَظَرَ الْقَوْمُ إِلَيَّ ذَلِكَ ظَلُّوا غُلُوبًا وَ اسْتَكْبَارًا فَمَرَّهَا فَلْيَأْتِكَ نِصْفُهَا وَ يَبْقَى نِصْفُهَا فَأَمَرَهَا بِذَلِكَ فَأَقْبَلَ إِلَيْهِ نِصْفُهَا كَأَعْجَبِ إِقْبَالٍ وَ أَشَدَّهُ دَوِيًّا فَكَادَتْ تَلْتَفُ بِرَسُولِ اللّٰهِ صَ فَقَالُوا كُفْرًا وَ عْتَوْا فَمَرَّ هَذَا النِّصْفُ فَلْيَرْجِعْ إِلَيَّ نِصْفِهِ كَمَا كَانَ فَأَمَرَهُ صَ فَرَجَعَ

و من با پیامبر بودم آنگاه که جمعی از بزرگان قریش نزد من آمدند و گفتند: ای محمد! تو دعویدار امر عظیمی شده ای که نه پدران تو و نه هیچیک از تبار تو به خود اجازه چنین بلند پروازی را نداده اند و اینک ما برای آزمایش تو آمده ایم تا معجزه بی بنمایی، اگر بدانچه می خواهیم، پاسخ مثبت دادی و خواسته ما را در معرض نمایش ما نهادی، می دانیم که همانا تو رسول خدایی و گرنه خواهیم دانست که جادوگر و بسیار دروغگویی. پیامبر فرمود: چه میخواهید؟ گفتند: این درخت را فراخوان تا از ریشه کنده شود و پیش روی تو ایستد، پیامبر - درود خدا بر او و خاندان وی - فرمود: خداوند بر هر کاری تواناست، اما اگر خدا این کار را برای شما انجام داد آیا ایمان خواهید آورد و به حق شهادت خواهید داد؟ گفتند: آری.

فرمود: پس من هم اکنون آنچه می خواهید جامه عمل می پوشانم، اما شما اهل گرایش به حق نیستید و در میان شما کسی است که در چاه بدر (۸) افکنده خواهد شد، و نیز کسی (۹) که گروههای مخالف را راه خواهد انداخت.

- سپس فرمود: ای درخت! اگر به خدا و روز واپسین ایمان داری و می دانی که من پیامبر خدا هستم، به اذن پروردگار از ریشه بر کنده شو و پیش من بایست! سوگند به آنکه پیامبر را به حق برانگیخت، درخت از ریشه بر آمد و آمد و صدایی مهیب داشت و صفیری چون آوای بال پرنندگان تا آنکه پیش روی رسول خدا - درود خدا بر او و بر خاندان وی - پرزنان ایستاد و شاخه فرازین خود را بر سر پیامبر و برخی را بر شانه من گسترده و من در سوی راست پیامبر ایستاده بودم. آنها چون چنین دیدند از روی برتری جویی و کبر ورزی گفتند: فرمان بده نیمی از آن به سوی تو بیاید و نیمی دیگر بماند، پیامبر فرمان داد و نیمی از درخت با حرکتی شگفت و با آوایی سهمگین تر پیش دوید، چنانکه نزدیک بود به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیچد، آنها از سر ناسپاسی و ستیزه گفتند: به این نیمه فرمان بده به جای خود باز گردد تا درخت همان شود که بود، پیامبر - درود خدا بر او و خاندان وی - فرمان داد و درخت باز گشت.

۶۶ - فَقُلْتُ أَنَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِنِّي أَوَّلُ مُؤْمِنٍ بِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَوَّلُ مَنْ أَقْرَبَ بَانَ الشَّجَرَةَ فَعَلَّتْ مَا فَعَلَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى تَصَدِيقًا بِنُبُوتِكَ وَ إِجْلَالًا لِكَلِمَتِكَ فَقَالَ الْقَوْمُ كُلُّهُمْ بَلْ سَ اجِرُّ كَذَّابٌ عَجِيبُ السَّحْرِ خَفِيفٌ فِيهِ وَ هَلْ يُصَدِّقُكَ فِي أَمْرِكَ إِلَّا مِثْلُ هَذَا يَعْزُونَئِي

من پس از مشاهده این همه اعجاز فریاد بر آوردم : لا اله الا الله ، ای رسول خدا من نخستین گرونده به تو هستم و نخستین کسی که اقرار دارد این درخت آنچه را که به امر خدا در تصدیق پیامبر و بزرگداشت سخن تو بود، انجام دادم . آن جمع همه با هم گفتند: نه ، او جادوگری سخت درغگوست ، جادوگری شگرف و تردست و چابک و گفتند: مگر چنین کودکی ترا در کارت تصدیق کند!!(مقصودشان من بودم).

علی (ع) پاک و از تبار پاکان

۶۷ - وَإِنِّي لَمِنَ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ سِيَمَاهُمْ سِيَمَا الصَّادِقِينَ وَ كَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَبْرَارِ عُمَارُ اللَّيْلِ وَ مَنَارُ النَّهَارِ مُتَمَسِّكُونَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ يُحْيُونَ سُنْنَ اللَّهِ وَ سُنْنَ رَسُولِهِ لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَ لَا يَعْزُونَ وَ لَا يَغْلُونَ وَ لَا يُغْلُونَ وَ لَا يُفْسِدُونَ قُلُوبُهُمْ فِي الْجِنَانِ وَ أَجْسَادُهُمْ فِي الْعَمَلِ

من از تبار کسانی هستم که در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری در آنها در نمی گیرد، چهره هایشان چهره راستگویان است و سخنانشان سخن نیکان ، شب زنده داران و روز پیشوایان ، به رشته محکم قرآن با همه وجود چنگ انداخته اند، سنت های خدا و پیامبرش را زنده می کنند، نه کبر می ورزند و نه برتری می جویند، و نه فریبکاری و تباهی می نمایند، دلهایشان به بهشت ، و بدنهایشان وقف کار خیر است .